طرح مقاله علمي - پژوهشي  
«تعريف اختيار در سه مبناي نظري»

ويرايش دوم

17 خرداد 1396

# ضرورت

«اختيار» يكي از مقولاتي‌ست كه تمامي مباني فلسفي در تحليل رفتار انسان گرفتار تعريف و تفسير آن مي‌گردند. آن‌چه مسلّم است اين‌كه انسان بداهتاً در مي‌يابد كه اختيار از يك سو نبايد به جبر منتهي گردد و از سوي ديگر نبايد آن‌قدر استقلال عمل بيابد كه به تفويض منجر شود و از سلطه اراده‌هاي ديگر رها.

# موضوع

مقاله مورد نظر ابتدا چالش‌هاي واقعي تفسير اختيار را بيان مي‌نمايد و سپس پاسخ‌هاي ارائه شده از سوي مباني فلسفي مختلف را طرح نموده، آخرين تلاش‌هاي نهادهاي علمي حوزه و دانشگاه براي حل معضل نظري مذكور را ذكر مي‌كند. پس از آن با تبيين آسيب‌هاي اين پاسخ‌ها و ناتواني آن‌ها از حل چالش مذكور، راه‌حل فرهنگستان را براي تفسير اختيار توضيح دهد.

# هدف

اختيار يكي از تمايزات اصلي مبناي نظري فرهنگستان با ساير مكاتب فلسفي است. رياضياتي كه مبتني بر فلسفه نظام ولايت باشد نيز از همين رو به شدّت با «اختيار» گره خورده است. هدف اين است كه مخاطب مقاله، پس از مطالعه آن در يابد كه رياضيات رايج قادر نيست اختيار را به درستي تحليل نمايد و از همين رو در تبيين واقعيت كارآمدي كمتري دارد. اما رياضيات اسلامي به دليل ابتناء بر تعريف دقيق‌تري از اختيار، كارآيي بيشتري را فراهم مي‌نمايد.

# گستره

با توجه به محدوديت‌هاي موجود و سرعت مطلوب در دستيابي به محصول، براي دستيابي به تعاريف حوزه و دانشگاه از اختيار صرفاً به منابع اصلي، مرجع و مشهور مراجعه مي‌شود و از بررسي آراء غيرمشهور و كمتر مورد توجه پرهيز مي‌گردد.

در مباني حوزه، دو نظريه مشهور درباره اختيار ديده مي‌شود؛ يكي مبتني بر فلسفه ارسطويي كه با عنوان حكمت متعاليه امروزه رواج دارد و در مباحث اعتقادي طرح مي‌گردد. ديگري «نظريه سلطنت» شهيد صدر (ره) است كه به صورت مستقل از مباني فلسفي ارسطويي طرح شده و كمتر مورد بررسي فلاسفه قرار گرفته است.

در مباني فلسفه غرب، خاستگاه رياضيات جديد، ماترياليسم و ماده‌گرايي و نفي متافيزيك و هر چه كه ماوراء ماده باشد، سبب شده اختيار نيز معنايي كاملاً مكانيكي بيابد و در چارچوب نظريات فيزيك تعريف گردد. به نظر مي‌رسد تعريف اختيار را بايد در منابعي كه به فلسفه فيزيك پرداخته‌اند يافت.

براي دستيابي به تعريف نظام ولايت از اختيار نيز، درس‌گفتارهاي استاد حسيني (ره) كه به صورت جزوه منتشر شده‌اند مبناي مطالعه و بررسي قرار خواهند گرفت.

# زمان

زمان مورد نياز براي دستيابي به آراء و نظرات در اين سه مبناي نظري 600 نفرساعت پيش‌بيني مي‌گردد كه به صورت زير تقسيم مي‌گردد:

استخراج مبناي حوزه، آسيب‌شناسي و تدوين آن 180 نفرساعت

استخراج مبناي دانشگاه، آسيب‌شناسي و تدوين آن 180 نفرساعت

استخراج مبناي فرهنگستان، اثبات و تدوين آن 180 نفرساعت

جمع‌بندي مطالب و تدوين نهايي مقاله 60 نفرساعت

بر اين اساس، اگر اين طرح توسط يك گروه سه نفره به انجام برسد در يك ماه و در غير اين صورت، اگر يك فرد عهده‌دار تمام پروژه باشد، سه ماه به طول خواهد انجاميد.

# فرضيه

تمامي فلسفه‌هاي مبتني بر مبناي ارسطو در تبيين هستي، چه اصالت وجود و چه اصالت ماهيت، به دليل مبتني بودن بر اصل عليّت، قادر به تحليل اختيار نمي‌باشند.

فلسفه اسكولاستيك غرب نيز با ابتناء بر اصل عليّت، به جبر منجر مي‌گردد.

فلسفه‌هايي كه در غرب، پس از هيوم طرح شده‌اند، با هر عنواني كه بوده‌اند، اگر چه معمولاً با نفي اصل عليت تلاش نموده‌اند از چالش جبر خلاص گردند، اما به دليل اصل شدن ماده‌گرايي و نفي متافيزيك، اختيار را به «انتخاب يكي از گزينه‌هاي موجود» تفسير مي‌نمايند.

تحوّلات فيزيك در قرون اخير نيز سبب شده تعريفي مكانيكي از اختيار بيان شود كه آن را تحت قوانين جبري طبيعت مندرج نموده و باز هم به جبر منتهي مي‌نمايد.

اگر چه نظريه احتمالات در رياضي تلاش كرده سايه جبر را از اختيار برچيند، اما تنها توانسته «جبر غيرآگاهانه» را به جاي «جبر آگاهانه» بنشاند.

شهيد صدر (ره) با تلفيق دو مبناي فوق، تلاش نموده دامنه اصل عليّت را محدود به «طبيعت» نموده و با خارج ساختن رفتار بشر از گستره رابطه عليّت، با طرح اصطلاح «سلطنت»، اختيار را غيرجبري تحليل نمايد. بدين‌ترتيب عملاً به فلسفه‌اي با دو پايه و اساس رسيده است كه اين دو مبنايي بودن، يكي از ايرادات اين نظريه محسوب مي‌گردد.

در اين ميان، تنها استاد حسيني (ره) است كه با نفي اصالت ذات در تفسير هستي، توانسته مبنايي واحد در فلسفه پديد آورد كه با اصل قرار دادن «اراده‌ها» اختيار را به «ايجاد راه جديد» تفسير نموده و حكومت آن را بر تمام خلقت، حتي طبيعت، نشان دهد. فرض بر اين است كه تنها با اين مبناي فلسفي‌ست كه مي‌توان اختيار را هم از «جبر» و هم از «استقلال و تفويض» و هم از «مساوي شدن با انتخاب» رها نموده و صرفاً «اختياري» تحليل كرد.

# محصول

نتيجه كار در قالب يك مقاله در رده علمي- پژوهشي منتشر مي‌گردد،‌ با حدود 30 الي 40 صفحه حجم و در قالبي استاندارد از نظر ارجاعات و پي‌نوشت‌ها كه ساختار دروني آن داراي چارچوب كلّي ذيل خواهد بود:



به نظر مي‌رسد مقاله نهايي فهرستي شبيه به اين داشته باشد:

1. اختيار در فلسفه‌هاي ارسطويي
   1. نظريات مطرح
      1. فلسفه مشائي
      2. فلسفه اشراقي
      3. حكمت متعاليه
      4. نظريه شهيد صدر (ره)
   2. نقد و بررسي
      1. جبرگرايي محصول اصل عليّت
      2. ناتواني فلسفه‌هاي اصالت ذات در تببين اختيار
2. اختيار در فلسفه‌هاي غربي
   1. نظريات مطرح
      1. فلسفه‌هاي اسكولاستيك مسيحيت
      2. تجربه‌گرايان
      3. اثبات‌گرايان و ابطال‌گرايان
      4. فلسفه فيزيك
   2. نقد و بررسي
      1. جبرگرايي محصول تفسير شدن اختيار به انتخاب
      2. ناتواني فلسفه‌هاي ماده‌گرا در تبيين اختيار
3. اختيار در مبناي نظام ولايت
   1. مبنا شدن اراده در تببين هستي
   2. تعريف اختيار بر مبناي اصالت اراده‌ها
   3. تفاوت اختيار و انتخاب

و السلام علي من اتبع الهدي